

نویسه یعنی شایسته بر تعریف بدوب را زینج در لور است طوعی و بسند
نادر طوعی و بسند استعمال و لوز و صانع بان و صانع الی بر استکار و صالح و بد
دل و او ستاد کسند راس معنی براسو یعنی لوزی و او خدایا یعنی رتق
جایز در راس بر و اس الی الفاظ اتقا عند راس است استانی و او تک راسته
اینی صانع البله اشلیف کشی بر آغ غریبدر کوه بیخ او یعنی حکم و
کو کت طاع و تمام عالم کشی و کو سم یعنی فصاحت و کتوری و کتد بورین
قوتون راستی را سنی طاعنی را سوخت مثله راسن اندر اوق و
اربع افغانی غریبدر راسو کلینک دد کلری حیوا میخادر و بو کو حقی
براع طاع انکی انده بشلستان و قرح کاه و اینی و یوقش اولد رافت
قرات از مانی غریبدر افغان غریبدر قرات و دحله او مانی بر افد
فاند کسر سله غریبدر وسعت از روه او کتشی رتد صوده از رتبه
بتلن تلفق رام دولک و مطیع یعنی بو یوق طوعی و ملازم و فرس المیز
اون کتشی کوغز زامش شاد مانی و سرد و فکر و تدبیر بر امشکو مطرب
یعنی جالبی و بر لیبی راستان مثله رامک بر معرفت و کیدر و شهور
مجموعه رانند و تک و ملازم و این کومه سکزی کونی رامنی
هندستان چمن لوزین بوچی بره در انده کافو جوق اولور بر میا و لک
یکوم سکزی کونی معنی رامند ران اولی غریبدر خیز در لوز رانند
لفظندن صیغه لمر در و وصف توچی برانده صادقده بکوز بر او تد
بیان ابدوب بر لوز اینی چغشور عمان و شاور و ادغ را بنیاد و لک
و مطیع و لرم و این بدی کونی بر اول بود که بشتند بشتند لک
و بو ز بان و در لوز بو سینه لوزی کلر اولد ران هر بسند تک
صافیه غریبدر بر او تد معرفت کو کدر هند بدر و روحیه ده اولور
حکوم فصلر نیده و بوقان مرصند خصوصاً غایبتره ناخدا را بوسند بیچی

نور

نور اولور بر او تداری معناسند رام بول راه آورد او معان راه و بر
یولی را هبیر قول و ز راهب غریبدر کشتن خلقدن اولرت لوز
ابولش کتسیده در لوز را هبیران کشتن فادسی فاعده سینه را هبیران سخی
نور هبیران کسر سینه در راهبیران هبیران سکونله یولی و سخی راه
بو کد تک غافل او بسند بوب بفتوب و لوز کتسیده در لوز راه دنی بوب
یولی راه زت سخی بول او روحی دیکله راه شاه سنیج کد که در با سنیج
اولور راه کد بول و غره سخی و کدی قول و ز راههای بول کو سخی قول و ز
معناسند راهمنون مثله رام حلیجان کرم کتسید و کیده حلیجان بولی در
کو کدر بلدر لوزی قلصدن آن بول کد کو بر نور و صمان او غره دخی در لوز راه کد
یولی راه لوزی بولین طوار و بو بر غره راهوان بیخ لوزی را هبیران بول کلچی راهی
نویلی افغانی و لوز راه غریبدر فکر و تدبو معناسند و هند سینه باد شاه
لوسیده در لوز رات علم و سنیج غریبدر سخی ربات کلور بر اینی غریبدر اند
سکون لک لوزی راجست و بوچی را کتان اینی مفت معناسند ربات اولق
دد کلری سازد غریبدر و باطله یادی و سول بلوطدر کد آن کد کو بوز
دقیق بر اینی چالچی ریل و این کد سخی لوزی اولوز رتق و لوز شهر قلعه
معناسند و این اولش غوربت غریبدر ربع غریبدر منزل سزی در ربع
مثله و الطال کالبدین و الحج الا طلال و الطال ربع و اطال و غریبدر
بوستان سزک معشوق دیکله رعب دیار انده مشهور در حلال الدن
رومی قدس سره منوی ده بو اصطلاح مناسبله بو رشتدر **مثنوی**
چون غرب با ربع و اطال ای با زنی کشی از عشق کفتی خود لوزی بوق
هد هد لوز سینه و اینی ربع معناسند و صانوا با زنی سخی و دتسان
رت تک باشد از پوشش یعنی از تو سوز و چلبان و با لوزی رت و تک کانی
در بعضی معناسند رتبه هندستان شد و سخی رت و موم بود بسند المثنوی

195